فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره چهل و نهم، زمستان ۱۴۰۳- صفحات ۱۴۷-۱۱۹

بررسی تأثیر اعتبارات بانکی بر صادرات بخش صنعت کشور عراق

نوع مقاله: پژوهشی

نور علی کرم الثوینی[۱]
مریم امامی میبدی[۲]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۴/۱۹

چکیده

رشد بخش صنعت و توسعه صادرات غیرنفتی یکی از عوامل مهم در تأمین ارز و افزایش درآمد ملی است. کاهش روزافزون منابع انرژی ازجمله نفت و نوسانات شدید درآمد صادرات نفتی در اثر تحریم‌ها و مسائل سیاسی، اهمیت ویژه صادرات غیرنفتی را نشان می‌دهد. در این راستا، بازارهای مالی نقش کلیدی در تأمین مالی رشد و توسعه صادرات کشورها را بر عهده‌دارند. از طرفی، سیستم بازارهای مالی کشور عراق بانک محور است و نقش سیستم بانکی در تأمین مالی سرمایه‌گذاری کشور عراق بسیار اهمیت دارد. بر این اساس، در این پژوهش به بررسی رابطه بین اعتبارات بانکی بر صادرات بخش صنعت کشور عراق پرداخته‌شده است. جامعه آماری در این پژوهش، ازنظر قلمرو مکانی کشور عراق و ازنظر قلمرو زمانی سال‌های ۲۰۰۷- ۲۰۲۱ مدنظر قرارگرفته شده است. برای تخمین مدل تحقیق، ابتدا، آزمون دیکی- فولر و سپس، با استفاده از آزمون درون‌زایی وو- هاسمن، وضعیت متغیرهای از جهت درون‌زا و برون‌زا بودن بررسی و درنهایت با توجه به نتایج آزمون‌ها مشخص گردید که برای تخمین مدل‌های تحقیق باید از الگوی خود رگرسیون برداری استفاده شود. با توجه به نتایج برآوردهای بلندمدت مدل اول و دوم تحقیق تأثیر اعتبارات بانکی بر رشد بخش صنعت و نیز صادرات بخش صنعت مثبت و معنی‌دار است که معرف تائید فرضیه‌های تحقیق است. بر اساس، نتایج تجزیه واریانس مدل‌های تحقیق، بالاترین تأثیر بر رشد بخش صنعت و صادرات صنعت به ترتیب؛ از سمت متغیر سرمایه فیزیکی و اعتبارات بانکی است؛ بنابراین، به لحاظ تأثیر مثبت اعتبارات بانکی بر بخش صنعت بر رشد بخش صنعت و صادرات بخش صنعت، بهتر است، برنامه ریزان در مورد تخصیص و مدیریت منابع کشور عراق توجه خاص داشته باشند.

کلمات کلیدی: اعتبارات بانکی، صادرات غیرنفتی، بخش صنعت، الگوی خود رگرسیون برداری.
طبقه‌بندی JEL: M_{21}, M_{16}, E_{58}, E_{51}

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه اقتصاد، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.
nooraallii90905@gmail.com

۲- استادیار، گروه حسابداری، واحد شاهین شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهین شهر، ایران (نویسنده مسئول).
m.emami@shaiau.ac.ir

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

مقدمه

صادرات غیرنفتی یکی از عوامل مهم در تأمین ارز و افزایش درآمد ملی است. کاهش روزافزون منابع انرژی ازجمله نفت و کمترشان درآمدهای ناشی از آن، اهمیت ویژه صادرات غیرنفتی را نشان می‌دهد. مهم‌ترین و اولین نتیجه افزایش توان صادرات غیرنفتی کشورهای نفتی ازجمله عراق، رهایی از وابستگی به صادرات تک‌محصولی است، به‌نحوی‌که ساختار اقتصادی کشور از حوزه تأثیر بازارهای سیاسی و اقتصادی دور شود است. با بالا رفتن توان صادراتی کشور دولت می‌تواند به افزایش توان ارزآوری خود، کیفیت خدمات عمومی در بخش‌های اقتصادی را بهبود بخشد و همچنین زمینه‌های جدیدی برای افزایش سطح اشتغال در بخش صنعت و همچنین سایر بخش‌ها فراهم کند (برنارد و جنس[۱]، ۱۹۹۹).

بازارهای مالی می‌توانند، نقش بسیار مهمی در تأمین مالی توسعه صادرات داشته باشند. بازارهای مالی به بازار پول و بازار سرمایه تفکیک می‌شوند. بازار پول به منابع مالی کوتاه‌مدت اختصاص دارد و در مقابل بازار سرمایه به دادوستد منابع مالی بلندمدت مانند انتشار اوراق بهادار با سررسید بیش از یک‌ساله گفته می‌شود. در نظریه‌های رشد کلاسیک جدید تأکید بر این اصل می‌شود که کارکرد مالی از دو جنبه نرخ انباشت سرمایه و نرخ نوآوری‌های فنّاورانه، بر رشد اقتصادی پایدار و تحول در بخش‌های مهم مانند صادرات تأثیرگذار است. وظیفه اصلی بازارهای مالی شامل بازارهای پول و سرمایه، تجهیز پس‌اندازهای کوچک و بزرگ و هدایت آن به‌سوی برآورد نیازهای بنگاه‌های اقتصادی است. ازآنجاکه انگیزه پس‌انداز، وام‌دهی و به‌کارگیری اعتبارات در کارهای مناسب در همین بازار شکل می‌گیرد، ایجاد سازوکار مناسب برای جمع‌آوری پس‌اندازها و به‌کارگیری سرمایه‌ها در بخش‌های موردنیاز صنعت و اقتصاد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. همچنین بخش صنعت و صادرات متکی به آن در فرایند رشد و توسعه اقتصادی به‌ویژه در کشورهای نفتی از اهمیت بسزایی برخوردار است (طیبی و گوگردچیان، ۱۳۸۳).

صادرات به‌عنوان یک عنصر مؤثر و کلیدی در توسعه اقتصادی هر کشور محسوب می‌شود، چه از دیدگاه اقتصادی و چه ازلحاظ سیاسی در پیشبرد اهداف یک کشور نقش مهمی دارد. سبد کالاهای صادراتی در کشورهای مختلف با یکدیگر متفاوت است و به‌طورکلی شامل دو بخش می‌شود، صادرات مواد خام و اولیه که به‌طور عمده شامل؛ نفت، گاز و سنگ‌های قیمتی است و صادرات مواد غیر خام یا به عبارتی کالاهای کارخانه‌ای است. در دنیای امروز تولید و صادرات کالاهای صنعتی و کارخانه‌ای به‌عنوان معیاری از توسعه‌یافتگی اقتصاد جوامع محسوب می‌شود. بنابراین،

۱ - Bernard and Jenson

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

توسعه صادرات غیرنفتی همواره موردتوجه سیاست‌مداران و اقتصاددانان در کشورهای درحال‌توسعه است (میراحسنی و همکاران، ۱۳۹۰)

به‌طورکلی، یکی از مهم‌ترین مشکلات کشورهای درحال‌توسعه، وابستگی اقتصاد آن‌ها به صدور مواد خام و اولیه است. ازآنجایی‌که بخش بزرگی از درآمدهای ارزی این کشورها فقط با صدور یک یا چند قلم مواد خام به دست می‌آید، در بلندمدت در برابر ناملایمات و فشارهای اقتصادی و سیاسی، ساختاری شکننده خواهند داشت. از سوی دیگر هرچند درآمدهای کلان نفتی می‌تواند برای کشورهای نفت‌خیز، بهره‌مندی مالی و فرصت پایه‌ریزی ساختار اقتصادی قدرتمند را فراهم آورد، ولیکن می‌تواند به مانعی در برابر ارتقای وضعیت و کیفیت اقتصاد این کشورها مبدل شود. در اقتصاد این کشورها معمولاً با گسترش استفاده از منابع درآمدی حاصل از فروش نفت، ارزآوری حاصل از نفت دستخوش نوسانات و شوک‌های قیمتی می‌شود. همچنین اتکای به درآمد نفت، موجب غفلت از سایر فعالیت‌های درآمدزای اقتصادی و ظرفیت‌های بالقوه طبیعی و صنعتی شده است که حاصلی جز افزایش واردات درازای صادرات نفتی ندارد و چنین وضعیتی، بزرگ‌ترین مانع تولید در این کشورها است (سلاطین و همکاران، ۱۳۹۵)

بنابراین، به نظر می‌رسد بهترین راه برای جلوگیری از تأثیر منفی نوسانات قیمتی نفت، برنامه-ریزی برای توسعه بلندمدت صادرات غیرنفتی در بخش صنعت باشد. در همین راستا، واحدهای تولیدی چه برای شروع فعالیت و چه برای بقا و توسعه در طی فعالیتشان، نیاز به سرمایه‌دارند و برای به دست آوردن آن به سمت بازارهای مالی روانه می‌شوند؛ اعتبارات اعطایی بانک‌ها یکی از منابع تأمین‌کننده سرمایه اولیه واحدهای تولیدی است (قربانی نژاد، ۱۳۹۷)

شومپیتر نخستین بار ارتباط بین نوآوری، رشد اقتصادی و توسعه بازارهای مـالی را مطرح کرد. مک کینون، گلداسمیت و شاو بر این باور بودند که رشد اقتصادی و بازارهای مالی از مقولات کلیـدی هـستند. بـه اعتقاد آن‌ها کمیت و کیفیت خدمات ارائه‌شده توسط مؤسسات مالی می‌تواند بخش مهمی از تفـاوت نـرخ رشـد در بـین کشورها را توضیح دهد. در آثار مکتوب جدید مربوط به رشد صنعت و اقتصاد نیز، بازارهای مالی بازیگر فعال و شـاید مـسلط درزمینهٔ فعالیـت‌هـای صـنعتی هستند (گرینوی و کلر[۱]، ۲۰۰۷). در کشور عراق به دلیل محدودیت‌های موجود در بازار مالی یکی از منابع مالی مهم و قابل‌دسترس برای بنگاه‌ها منابع بانکی است. به عبارتی، امروزه بانک-ها در عراق به‌عنوان تنها نهادهای مالی تأمین‌کننده منابع در تشکیل سرمایه و راه‌اندازی بنگاه‌های بخش صنعت نقش اساسی ایفا می‌کنند. موضوع لزوم افزایش تسهیلات و اعتبارات اعطایی و تأمین مالی سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و افزایش صادرات غیرنفتی ناشی از آن می‌تواند، از مباحث مهم

۱ - Greenaway and Kneller

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

در اقتصاد این کشور باشد که موضوع بررسی در این پژوهش است. با توجه به‌عنوان پژوهش، فرضیه‌های زیر بررسی‌شده است:

فرضیه اول: رابطه مثبت و معناداری بین اعتبارات بانکی و رشد اقتصادی بخش صنعت کشور عراق وجود دارد.

فرضیه دوم: رابطه مثبت و معناداری بین اعتبارات بانکی و صادرات بخش صنعت کشور عراق وجود دارد.

درنهایت، ساختار مقاله ابتدا مبانی نظری و پیشینه تحقیق بیان می‌شود و سپس، الگوی تحقیق و یافته‌های تحقیق و در آخر، نتایج تحقیق تبیین می‌گردد.

۱. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در ادبیات تجارت بین‌الملل دو واقعیت اصلی خودنمایی می‌کند. ابتدا بنگاه‌ها به هنگام ورود به بازارهای صادراتی ممکن است، با هزینه ثابت اولیه قابل‌توجهی مواجه شوند و دیگری این‌که بنگاه‌ها به لحاظ کارایی بسیار ناهمگن هستند. بخش بزرگی از این ناهمگنی ازآنجا نشأت می‌گیرد که در سطح کلان توسعه مالی تأثیر معناداری بر جریانات تجاری دوجانبه دارد؛ بنابراین، ناهماهنگی حاصل از محل تفاوت‌های دستیابی به امکانات تأمین مالی می‌تواند، یکی از تعیین‌کننده‌های اصلی در مورد رفتار صادرات صنعت در سطح خرد باشد. لذا، در کنار شواهد مربوط به وجود هزینه‌های ثابت اولیه، این واقعیت می‌تواند، در مورد این‌که چرا همه بنگاه‌های صنعتی درگیر تجارت بین‌الملل نمی‌شوند و اینکه چرا صادرکنندگان در مقایسه با دیگر تولیدکنندگان کاراتر هستند، توضیح دهد (دینگ[۱]، ۲۰۲۲). بنا به آنچه گفته شد، در این بخش مبانی نظری بررسی تأثیر اعتبارات بانکی بر صادرات بخش صنعت پرداخته‌شده است.

۱-۱. بخش صنعت

صنعت یکی از بخش‌های مهم و اساسی اقتصاد و بسترساز اصلی رشد و توسعه اقتصادی هر کشوری است که بدون آن هیچ‌گاه توسعه پایدار رخ نخواهد داد. دروازه‌های اقتصادی هر کشوری زمانی آغوش خود را بر توسعه پایدار بازخواهد کرد که بسترهای صنعتی مناسبی صورت گرفته و سرمایه-گذاری‌های درخور توجهی روی آن صورت گیرد؛ زیرا رشد و توسعه صنعتی است که زمینه و امکان رشد و توسعه اقتصادی سایر بخش‌های اقتصادی را فراهم می‌کند (ایکاون و همکاران[۲]، ۲۰۱۹).

---

۱ - Ding

۲ -Iacovone et al

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

۲-۱. توسعه صادرات

از محورهای مهم جهت برنامه‌ریزی به‌ویژه در توسعه صادرات کشورهای درحال‌توسعه، آگاهی از ظرفیت‌های دوجانبه کشورها در تولید و صدور کالا است. در رابطه با مفهوم پتانسیل صادراتی بایستی اشاره کرد، که یک کشور ممکن است، در تولید یک محصول از پتانسیل تولیدی برخوردار باشد، به‌طوری‌که آن محصول را در مقایسه با سایر کشورها ارزان‌تر تولید کند. دراین‌ارتباط عوامل متعددی بر پتانسیل صادراتی هر کشور تأثیر می‌گذارند، به‌طوری‌که برخی از این عوامل حتی پتانسیل کشورها در مرحله تولید را متأثر می‌کند. عواملی نظیر کشش عرضه تولیدی، هزینه‌های حمل‌ونقل، بسته‌بندی، بیمه، بازاریابی، تبلیغات و اطلاع‌رسانی ازجمله مهم‌ترین عوامل فوق هست، که بر پتانسیل صادراتی مؤثرند. درواقع، عوامل فوق تشکیل‌دهنده ظرفیت و پتانسیل صادراتی یک کالا در یک کشور به‌حساب می‌آید، که در مرحله اولیه سیکل تولید حاصل می‌گردد. ازآنجاکه عرضه کالا برای پاسخ‌گویی به تقاضا صورت می‌گیرد، لذا از طرف تقاضای صادراتی نیز عوامل مختلفی امکان یا عدم امکان استفاده از پتانسیل هر کشور را رقم می‌زند، که ازجمله می‌توان به رشد تقاضا به جهت تغییر سلیقه مصرف‌کنندگان خارجی، دخالت دولت کشورهای واردکننده، کشش قیمتی و درآمدی و متقاطع تقاضا برای صادرات به بازارهای بین‌المللی اشاره نمود. درمجموع وجود پتانسیل هر کشور در عرضه کالا به بازارهای صادراتی عمدتاً از ناحیه نیروی کار، سرمایه، منابع طبیعی و فنّاوری است، که شرط لازم برای حضور موفق در بازارهای جهانی هستند. ولی شرط کافی محسوب نمی‌شوند .بدیهی است، بازارهای گسترده و متنوع برای محصولات صادراتی هر کشور می‌تواند، یکی از مؤلفه‌های مهم و مؤثر برای حضور پایدار و مستمر در آن بازارها به شمار روند. با عنایت به این‌که فاصله جغرافیایی و وجود اشتراکات فرهنگی از عوامل مؤثر در بازاریابی و توسعه فعالیت بنگاه‌ها در سطح بازارهای بین‌المللی است. حفظ جایگاه و موقعیت محصولات در این بازارها، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند (مینیتی و همکاران[۱]، ۲۰۲۱).

۳-۱. صادرات غیرنفتی

صادرات غیرنفتی یکی از عوامل مهم در تأمین ارز و افزایش درآمد ملی است. کاهش روزافزون منابع انرژی ازجمله نفت و کم‌تر شدن درآمدهای ناشی از آن، اهمیت ویژه صادرات غیرنفتی را نشان می‌دهد. مهم‌ترین و اولین نتیجه افزایش توان صادرات غیرنفتی کشورهای نفتی ازجمله عراق، رهایی از وابستگی به صادرات تک‌محصولی است. به‌نحوی‌که ساختار اقتصادی کشور از حوزه تأثیر

۱ -Minetti et al

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

بازارهای سیاسی و اقتصادی دور شود. با بالا رفتن توان صادراتی کشور دولت می‌تواند، به افزایش توان ارزآوری خود، کیفیت خدمات عمومی در بخش‌های اقتصادی را بهبود بخشد و همچنین زمینه‌های جدیدی برای افزایش سطح اشتغال در بخش صنعت و همچنین سایر بخش‌ها فراهم کند. بازارهای مالی می‌توانند نقش بسیار مهمی در تأمین مالی توسعه صادرات داشته باشند. بازارهای مالی به بازار پول و بازار سرمایه تفکیک‌شده و در آن بازار پول به منابع مالی کوتاه‌مدت اختصاص دارد و در مقابل بازار سرمایه به دادوستد منابع مالی بلندمدت مانند؛ انتشار اوراق بهادار با سررسید بیش از یک سال اهتمام دارند. در نظریه‌های رشد کلاسیک جدید تأکید بر این اصل می-شود که کارکرد مالی از دو جنبه نرخ انباشت سرمایه و نرخ نوآوری‌های فنّاورانه رشد اقتصادی پایدار تحول در بخش‌های مهم مانند؛ صادرات تأثیرگذار است (موحدمنش و عالی‌منش، ۱۳۹۸).

۴-۱. اعتبارات بانکی

بدیهی است، برای دستیابی به توسعه صادرات باید خدمات مالی اساسی مرتبط با صادرات وجود داشته باشد. واحدهای تجاری برای انجام دادن، فعالیت‌های عملیات و سرمایه‌گذاری خود نیاز به سرمایه و وجوه وجود دارند. به‌طورکلی، واحدها و بنگاه‌های اقتصادی جهت تأمین کمبود منابع مالی خود با دو گزینه روبرو هستند: تأمین منابع مالی به‌طور مستقیم از طریق بازارهای مالی و تأمین منابع مالی به‌طور غیرمستقیم از طریق واسطه‌های مالی مانند؛ بانک‌های تجاری، منابع تأمین مالی را ازنظر سررسید به تأمین مالی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت و ازلحاظ تأمین منابع به داخلی و خارجی تقسیم می‌کنند. اهمیت اعتبارات بانکی در سرمایه‌گذاری، هنگامی آشکار می‌شود که کانال تأثیرگذاری سیاست اعتباری و سطح تولید موردتوجه قرار گیرد. به‌طورکلی، سه کانال در این خصوص قابل‌تشخیص است. ابتدا، ارتباط غیرمستقیم حجم اعتبارات و تقاضای کل در صورت وجود ظرفیت اضافی تولید و اشتغال ناقص می‌تواند، منجر به افزایش سرمایه‌گذاری و تولید شود. دوم، ارتباط مستقیم بین نقدینگی به‌عنوان سرمایه‌کاری و حجم جاری تولید و سوم ارتباط بین حجم اعتبارات بانکی و سرمایه‌گذاری برای افزایش تولید در آینده است. در کشورهای درحال‌توسعه در دسترس بودن منابع و اعتبارات بانکی، نه‌تنها برای موسسه‌های بزرگ بلکه برای کارگاه‌های کوچک صنعتی و واحدهای کشاورزی اهمیت دارد. چراکه، برای این بنگاه‌های اقتصادی، استقراض از بازار غیررسمی، تنها با نرخ‌های بهره بالا امکان‌پذیر است. سوم، نبود و گسترش محدوده بازار سهام شرکت‌ها و مؤسسات اقتصادی در کشورهای درحال‌توسعه، امکان تأمین مالی منابع مالی را برای موسسه‌های اقتصادی از طریق انتشار سهام به‌شدت محدود می‌کند. توسعه‌نیافتگی بازارهای مالی و به‌خصوص بازار سرمایه یکی دیگر از عوامل مؤثر و عدم شکل‌گیری منابع سرمایه‌گذاری در کشورها

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

است. در کشورهایی که بازار سرمایه گستردگی و عمق کافی ندارد، شبکه بانکی مجرای اصلی جذب پس‌اندازها و تخصیص اعتبارات برای تأمین مالی سرمایه‌گذاری است (لوین و همکاران[۱]، ۲۰۲۰). از طرفی، در کشورهای درحال‌توسعه توسعه‌یافته، بازار سرمایه دچار مشکلات گزینش نامناسب درزمینه اعتبارات و سهمیه‌بندی سرمایه است. سهمیه‌بندی اعتبارات ممکن است، به‌وسیله بانک‌ها انجام شود. از طرفی، بانک‌ها در شرایط عدم تقارن و تناسب اطلاعات مایل به قبول مخاطره نمی-باشند و در غیاب بازارهای سرمایه فعال و کارآمد، شرایط تخصیص نامطلوب اعتبارات رخ می‌دهد. در کشورهای درحال‌توسعه مشکلات بازار سرمایه ناقص نیز بسیار جدی است، چراکه، در این کشورها بازار سرمایه کمتر توسعه‌یافته و اقتصاد دائماً با شرایط عدم اطمینان و نوسانات شدید بازارهای مالی روبرو هست. درنتیجه، اثرات سوء سهمیه‌بندی اعتبارات و سرمایه بسیار جدی است؛ بنابراین، کشورهای کمتر توسعه‌یافته با دو مشکل بزرگ روبرو هستند؛ ۱) اطلاعات آن‌ها برای سهمیه‌بندی مطلوب اعتبار و سرمایه، ناقص است، ۲) سازمان‌های کارآمد برای جمع‌آوری اطلاعات و ارزیابی و رسیدگی به نواقص بازار ندارند (استیگلیتز[۲]،۲۰۱۷).

۵-۱. نقش اعتبارات بانکی بر بخش صادرات

ورود به بازارهای صادراتی مشمول پرداخت هزینه‌های فرصت می‌شود، درنتیجه شرکت‌های مایل به صادرات باید یک سرمایه‌گذاری ثابت اولیه انجام دهند و تصمیمات مربوط به ورود به بازارهای صادراتی احتمالاً از متغیرهای مالی از طریق سرمایه‌گذاری در سرمایه ثابت تأثیر می‌پذیرد. بااین‌حال مطالعات کمی به ارتباط بین عوامل مالی و مشارکت در بازار صادرات توجه کرده‌اند (کامپا و شاور[۳]،۲۰۱۳). محدودیت‌های نقدینگی را به‌عنوان حساسیت سرمایه‌گذاری در سرمایه ثابت نسبت به متغیرهای مالی اندازه‌گیری کرده‌اند. بازارهای مالی ضعیف یکی از مهم‌ترین موانع توسعه صنعتی است. تولیدکنندگان ممکن است با محدودیت‌های اعتباری و مشکلات عملی دریافتن منابع لازم برای تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌های خود مواجه شوند. یک چنین محدودیت‌هایی ممکن است، حاصل ناکارآمدی بخش مالی و یا از اعتبار کافی برخوردار نبودن، شرکت‌های خصوصی درگیر باشد. بااین‌حال، این مشکل گاهی اوقات می‌تواند، ناشی از نارسایی اطلاعات باشد و به‌هم‌ریختگی و نا هم‌ترازی بین عرضه و تقاضای اعتبار ممکن و ناشی از ارزیابی ناقص ریسک توسط شرکت‌ها یا عدم اعتبارسنجی توسط بانک‌ها و مؤسسات مالی باشد (دوتسه و همکاران[۴]، ۲۰۱۳).

---

۱ - Levine et al.

۲ - Stiglitz

۳ - Gupta & Keshari

۴ - Dutse et al

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

حلقه مفقوده ارتباط صادرات و سرمایه‌گذاری را می‌توان در افزایش توان تولید داخلی جستجو کرد. برای صادرات بیشتر نیاز به تولید بالا بوده و برای رسیدن به توان بالای تولیدی به سرمایه‌گذاری و تشکیل سرمایه نیاز است. لزوم وجود سرمایه‌گذاری فراوان برای افزایش حجم تولید مسئله‌ای غیرقابل‌انکار است؛ زیرا با افزایش تقاضا برای کالاها و تولیدات داخلی و خارجی سرمایه‌گذاری جدید امری ضروری است (آلمونیا و همکاران[۱]، ۲۰۲۱). در کوتاه‌مدت اثر سرمایه‌گذاری بر صادرات به‌مراتب کمتر از بلندمدت است. به شکلی که سرمایه‌گذاری در کوتاه‌مدت می‌تواند، رشد صادراتی محدودی را ایجاد کند. درحالی‌که شرط لازم برای ایجاد رشد صادرات غیرنفتی در بلندمدت افزایش سرمایه‌گذاری است. همچنین افزایش صادرات می‌تواند برای آن بخش از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی که تولیدش توان رقابت داشته باشد و قابل صدور باشد، اثر مثبت داشته باشد. این مسئله می‌تواند سبب بازتر شدن بازار برای کالاهای موردنظر شده و ازاین‌رو سبب شود تا تولیدکننده به تولید انبوه روی آورد. در این مرحله که تولیدکننده می‌تواند، هزینه‌های تولیدی خود را از طریق افزایش ظرفیت کاهش دهد و انگیزه برای سرمایه‌گذاری بیشتر را فراهم کند. در کشورهای درحال-توسعه بسیاری از بنگاه‌ها با محدودیت در بازار اعتبارات مواجه هستند که این به دلیل عدم تقارن اطلاعات بین وام‌دهندگان و وام‌گیرندگان و درجه عملکرد بازار سرمایه و واسطه‌گری‌های سیستم مالی است. بخش‌های خاصی از بازار سرمایه در این کشورها مانند؛ روش‌های تأمین مالی بلندمدت و بازار معاملات آتی توسعه‌نیافته است. ازاین‌رو وام‌های بانکی و وام‌های خارجی ممکن است، تنها منابع اعتبار موجود برای تأمین مالی سرمایه‌گذاری باشد. هنگامی‌که این نوع منابع در دسترس باشند، منجر به تحریک سرمایه‌گذاری می‌شوند، حتی اگر سرمایه‌گذاران منابع مالی کافی در دست نداشته باشند(ریبیرو تیکسیرا[۲]، ۲۰۰۱).

متغیر دیگری که در نظریه نئوکلاسیک‌ها در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری مهم شمرده می‌شود، متغیر نرخ بهره واقعی است. نرخ بهره می‌تواند به‌عنوان هزینه استفاده از سرمایه یا نرخ سود اعتبارات بانکی برای سرمایه‌گذاری در نظر گرفته شود. افزایش نرخ بهره قابل پرداخت یک عامل بازدارنده سرمایه‌گذاری است و انتظار می‌رود که رابطه میان این دو متغیر منفی باشد. درواقع، نرخ سود تسهیلات بانکی را می‌توان، به‌عنوان بخشی از هزینه‌های سرمایه‌گذاری در نظر گرفت؛ بنابراین، کاهش این نرخ حجم سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد و منجر به کاهش قیمت تمام‌شده کالا می‌شود. نرخ بهره واقعی در سرمایه‌گذاری‌های خصوصی در کشورهای درحال‌توسعه به‌طور بالقوه مبهم است. بر اساس، الگوی سرمایه‌گذاری نئوکلاسیک نرخ بهره واقعی یک جز کلیدی در تأمین

۱ - Almunia et al.

۲ - Ribeiro & Teixeira

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

هزینه استفاده از سرمایه است و درنتیجه اثر منفی بر سرمایه‌گذاری دارد. بااین‌حال، این استدلال وجود دارد که نرخ بهره واقعی بالاتر، جریان اعتبارات بانکی را افزایش می‌دهد که مکمل پس‌انداز بخش خصوصی و تسهیل‌کننده تشکیل سرمایه و سرمایه‌گذاری است (فریم پونگ و ماربوآ[۱]، ۲۰۱۰).

بنابراین، نرخی که سیستم بانکی برای ارائه تسهیلات در نظر می‌گیرد، به‌طورکلی، در میزان سرمایه‌گذاری و به‌طور خاص، بر سرمایه‌گذاری درزمینه صادرات غیرنفتی و عرضه آن نقش تعیین-کننده‌ای دارد؛ زیرا سرمایه‌گذاری از طریق تسهیلات بانکی (به‌عنوان یک منبع باثبات مالی) می‌تواند، در تأمین مالی سرمایه‌گذاری در بخش‌های اقتصادی که قابلیت صادرات دارند، مؤثر باشد. از طرف دیگر، نرخ ارز نیز می‌تواند، سطح سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر قرار دهد. نرخ ارز یکی از اجزایی است که هزینه‌های واقعی واردات را مشخص می‌کند. کاهش ارزش پول در پی افزایش نرخ ارز، هزینه‌های واقعی خرید کالاهای سرمایه‌ای وارداتی را افزایش می‌دهد و درنتیجه باعث کاهش سود بنگاه و احتمالاً کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود. علاوه براین، کاهش ارزش پول می‌تواند باعث کاهش درآمد واقعی کل اقتصاد شود؛ بنابراین، منجر به کاهش سطح تولید و ظرفیت‌های تولیدی و فعالیت‌های اقتصادی می‌شود. کاهش ارزش پول واقعی می‌تواند، تأثیر مثبتی بر سرمایه‌گذاری در کالاهای صادراتی، رقابت‌پذیری و درنتیجه افزایش حجم صادرات شود. همچنین کاهش نرخ ارز واقعی باعث افزایش سوددهی بخش‌هایی که گرایش به صادرات دارند، می‌شود و درنتیجه سرمایه‌گذاری در این بخش افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، افزایش نرخ ارز باعث افزایش هزینه‌های کالاهای سرمایه‌ای وارداتی و کاهش سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی وابسته به واردات می‌شود؛ بنابراین اثر کل نرخ ارز واقعی بر سرمایه‌گذاری مبهم است (کلاسنس و ون هورن[۲]، ۲۰۲۱).

۲. پیشینه تحقیق

نوری و عزیز (۲۰۲۳)، در مقاله‌ای تحت عنوان تحلیل واقعیت اعتبارات بانکی و نقش آن در توسعه رشد اقتصادی در عراق برای دوره (۲۰۰۴-۲۰۲۱) به‌صورت توصیفی میزان اعتبارات بانکی و تولید ناخالص داخلی بررسی گردیده شده و نتایج معرف آن بود که رابطه مستقیم بین کل اعتبارات بانکی اعطایی با تولید ناخالص داخلی برقرار است.

بدوی و محمد (۲۰۲۲)، در مقاله‌ای تحت عنوان تحلیل نقش اعتبار بانکی در تأمین مالی پروژه‌های صنعتی متوسط در اقتصاد عراق با استفاده از روش ARDL، برای دوره ۲۰۰۸-۲۰۱۹

۱ - Frimpoung & Marbo

۲ - Claessens & Van Horen

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

بررسی‌شده و نتایج تحقیق معرف آن است که افزایش اعتبارات بانکی منجر به افزایش تولید و در بلندمدت گسترش صنعت و صادرات صنایع می‌شود.

خلف و علی[۱] (۲۰۲۱)، در مقاله‌ای تحت عنوان سنجش تأثیر اعتبار بانکی بر کل تولیدات کشاورزی اعطاشده توسط بانک تعاون کشاورزی عراق با استفاده از روش ARDL، برای دوره ۱۹۹۰-۲۰۱۹ مشخص گردید که بین اعتبار بانکی و تولید ناخالص داخلی در کوتاه‌مدت رابطه مثبت و معناداری و در بلندمدت رابطه غیر معنی‌دار وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد که وام-های اعطایی کوچک به بخش کشاورزی تأثیر بالایی بر رشد بخش کشاورزی نداشته و نیز برای رشد سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی عراق علاوه بر رشد اعتبارات بانکی، دولت در زیرساخت‌ها باید فعالیت خود را افزایش دهد.

ثو و همکاران[۲] (۲۰۲۰)، در مقاله‌ای تحت عنوان تأثیر اعتبار بانکی بر صادرات به اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا: مطالعه تجربی ویتنام به‌صورت داده‌های تابلویی در فاصله سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶ بررسی نموده‌اند. نتایج تحقیق حاکی از آن است، اولاً؛ اعتبار بانکی برای فعالیت‌های صادراتی در ویتنام بسیار مهم است. ثانیاً؛ صادرات به کشورهای آسه آن تأثیر پراکندگی بیشتری نسبت به صادرات به سایر کشورها دارد و سرمایه موردنیاز برای صادرات به کشورهای آسه آن نیز بالاتر است. این بدان معنا است که اعتبار بانکی برای فعالیت‌های صادراتی به کشورهای آسه آن باید تشویق شود. به‌عنوان یک نتیجه از شواهد تجربی در مورد قدرت پراکندگی و سطح ارزش‌افزوده ناشی از افزایش تقاضای نهایی، این مطالعه توصیه می‌کند که ویتنام باید توجه بیشتری به کشورهای هدف بالقوه مانند؛ لائوس، مالزی و تایلند داشته باشد و همچنین برخی از آن‌ها را در اولویت قرار دهد.

هدائی و همکاران (۱۴۰۲)، در مقاله‌ای به بررسی تأثیر نوآوری مالی بر رشد اقتصادی ایران با استفاده از الگوی خود رگرسیون توزیعی با وقفه در طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۹ پرداخته‌اند. نتایج حاکی از آن است که نسبت اعتبارات در کوتاه‌مدت و ضریب بلندمدت اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی ایران دارد. همچنین آزادسازی تجاری اثر مثبت بر رشد اقتصادی در بلندمدت دارد.

حسین‌زاده و اسماعیل‌زاده (۱۴۰۰)، در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی تأثیر نامتقارن شوک‌های پولی بر اعتبارات بانکی طی ادوار تجاری در طی سال‌های ۱۳۷۷-۱۳۹۷ با استفاده از رگرسیون انتقال ملایم به این نتایج دست‌یافته‌اند که زمانی که رشد اقتصادی در ایران از ۳/۶۲ درصد تجاوز

---

۱ -Khahaf & Ali

۲ - Thị et al

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

کند، با سرعت تعدیل ملایم برابر ۵/۵۸ تغییر رژیم اتفاق خواهد افتاد و رشد اقتصادی به‌عنوان متغیر آستانه دارای تأثیر مثبت و معنادار بر اعتبارات بانکی است.

احمدی اشکفتکی و همکاران (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای تحت عنوان تأثیر اعتبارات بانکی بر صادرات غیرنفتی بخش‌های صنعت و کشاورزی از روش هم انباشتگی یوهانسون در طی سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۹۱ بررسی نموده‌اند. نتایج حاصل از روابط بلندمدت، بیانگر آن است که اعتبارات بانکی بخش-های صنعت و کشاورزی بر صادرات آن‌ها تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد.

۳. روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق از نوع همبستگی علی و مبتنی بر تحلیل داده‌های سری زمانی است. هدف از انجام این پژوهش ارائه یک الگوی اقتصاد کلان با درنظرگرفتن شرایط عراق است. براین‌اساس، در ابتدا؛ بر اساس اصول مدل‌سازی، یک مدل که مبین ساختار اقتصادی کشور عراق بیان‌شده و در ادامه، روند تغییرات اعتبارات بانکی به بخش صنعت، تغییرات سرمایه‌گذاری بخش صنعت، تغییرات صادرات بخش صنعت و تغییرات رشد بخش صنعت به‌صورت هندسی ترسیم و تفسیر شده است. گردآوری داده‌ها به‌صورت کتابخانه‌ای، اسنادی و از پایگاه اطلاعاتی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی صورت گرفته است. مدل تحقیق در قلمروی مکانی عراق در بازده ۲۰۰۷ -۲۰۲۱ با استفاده از روش خود رگرسیونی با توزیع با وقفه (ARDL) تخمین‌زده شده‌است.

۳-۱. تصریح مدل و متغیرها

در بسیاری از مطالعات الگوی به‌کاررفته، در صادرات بخش صنعت بر مبنای الگوی خان و نایت[۱] (۱۹۸۸) هست که در آن عرضه اولیه صادرات تابع تولید ناخالص داخلی و نرخ ارز است؛ اما ازآنجاکه متغیرهای این الگو به‌تنهایی برای توضیح صادرات کافی نمی‌باشند، در بسیاری از مطالعات بنا بر شرایط و هدف محقق متغیرهای قیمتی و غیر قیمتی دیگری نیز به الگو اضافه‌شده‌اند. در این پژوهش مدل سرمایه‌گذاری فریم پونگ و ماربوآ (۲۰۱۰) که در رابطه با تأمین مالی صادرات بخش صنعت است، موردبررسی قرارگرفته و از ترکیب دو مدل خان و نایت (۱۹۸۸) و فریم پونگ و ماربوآ (۲۰۱۰)، مدل نهایی پژوهش به‌دست‌آمده است. با توجه به آنچه گفته شد، در این پژوهش صادرات بخش صنعت تابعی از تأمین مالی سرمایه‌گذاری بخش صنعت، میزان اعتبار بانکی داده‌شده به بخش خصوصی، نرخ ارز واقعی و درجه باز بودن اقتصاد در نظر گرفته‌شده است. از طرفی، تولیدناخالص‌داخلی بخش صنعت خود تابعی از میزان سرمایه فیزیکی و نیروی کار شاغل در بخش

۱ - Khan & Knight

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

صنعت و میزان اعتبار داده‌شده به بخش خصوصی به‌عنوان مهم‌ترین روش تأمین مالی سرمایه-گذاری در عراق است. بنابراین، برای دستیابی به اهداف تحقیق دو مرحله تخمین صورت گرفته است. ابتدا، به بررسی فرضیه اول، مبنی بر رابطه بین اعتبارات بانکی و رشد اقتصادی بخش صنعت کشور عراق در مدل(۱) پرداخته‌شده:

$$lnVI_t = \alpha_1 + \alpha_2 lnKI_t + \alpha_3 lnLI_t + \alpha_4 lnCRD_t + \varepsilon_t \quad (۱)$$

که در آن؛ (VI_t) رشد اقتصادی بخش صنعت، (Ki_t)سرمایه بخش صنعت، (LI_t)نیروی کار بخش صنعت، (CRD_t) کل اعتبارات بانکی به بخش صنعت و Lnنماد لگاریتم است.

سپس، برای فرضیه دوم تحقیق نقش اعتبارات بانکی بر صادرات بخش صنعت در مدل (۲) پرداخته‌شده است:

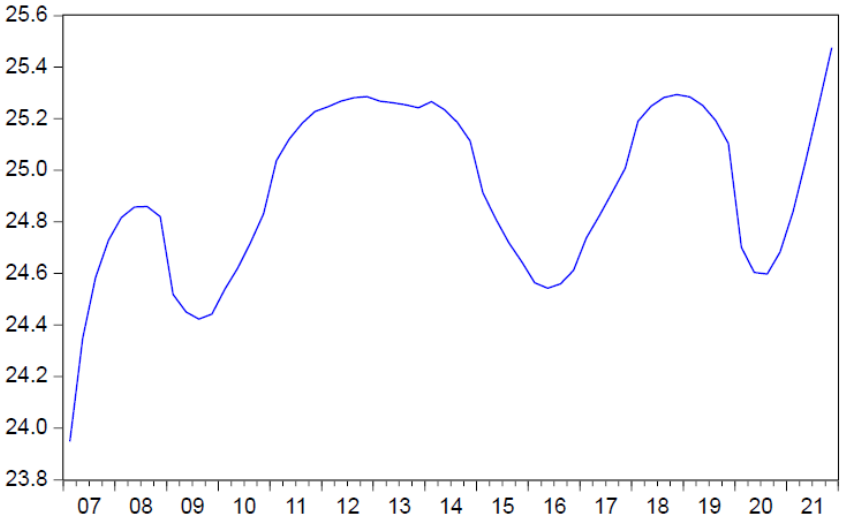
$$lnXI_t = \beta_1 + \beta_2 lnFx_t + \beta_3 lnRER_t + \beta_4 lnCRD_t + \beta_5 lnOpen + U_t \quad (۲)$$

به‌طوری‌که؛ (XI_t)صادرات بخش صنعت، (Fx_t) تأمین مالی سرمایه‌گذاری بخش صنعت، (RER_t) نرخ واقعی ارز، (CRD_t) کل اعتبارات بانکی به بخش صنعت،($Open_t$)درجه) درجهبودن اقتصاد و Ln نماد لگاریتم است.

۳-۲. تفسیر روند متغیرهای تحقیق

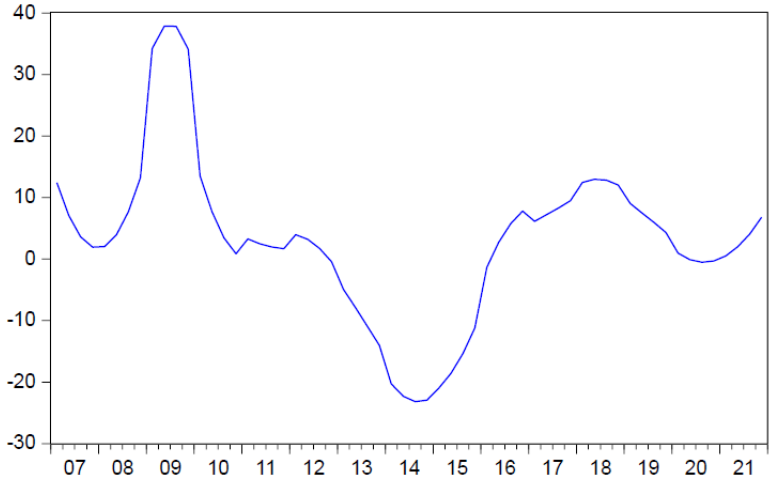
در شکل (۱)، روند تغییرات رشد بخش صنعت کشور عراق را نشان می‌دهد، این روند با گرچه دارای نوسانات شدیدی بوده است، اما در ابتدا و انتهای دوره نسبتا یکسان بوده است؛ اما در شکل (۲)، روند تغییرات صادرات بخش صنعت کشور عراق را نشان می‌دهد. این روند تقریباً در تمام دوره، دارای روندی نوسانی بوده است. در سال ۲۰۱۹ به علت آغاز اعتراضات در اول اکتبر این سال صادرات عراق روندی نزولی به خود گرفته است اما در پایان دوره روند صعودی پیداکرده است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]



شکل ۱ : روند تغییرات صادرات بخش صنعت

منبع: یافته‌های پژوهش

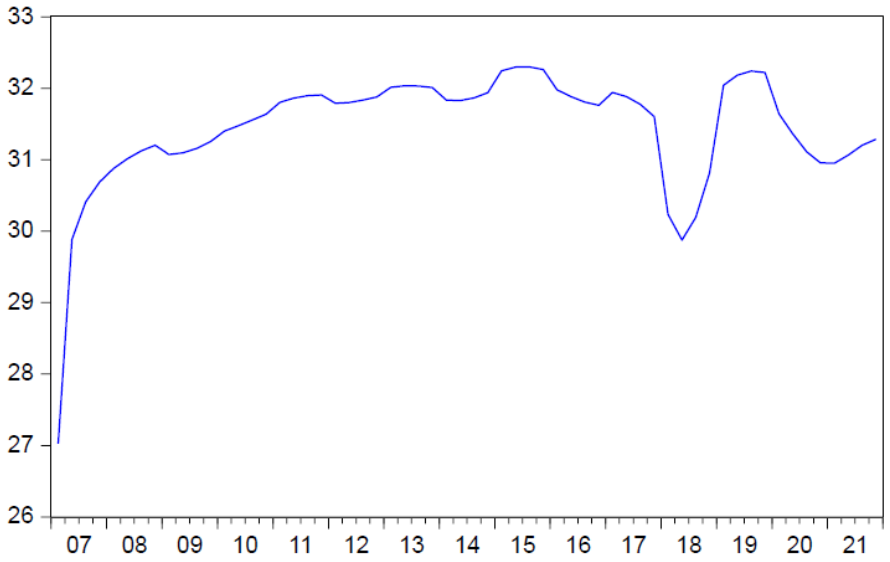


شکل ۲ : روند تغییرات رشد بخش صنعت

منبع: یافته‌های پژوهش

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

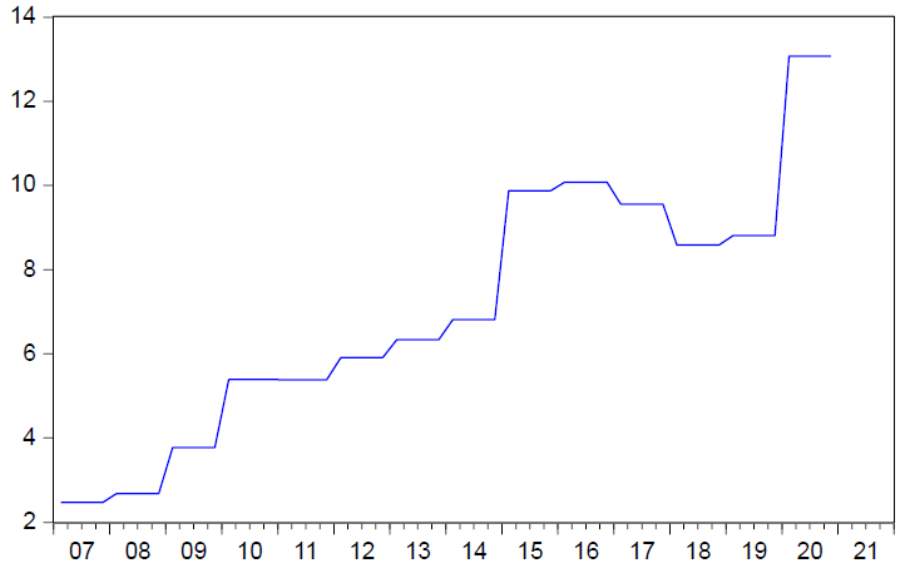
شکل (۳)، روند تغییرات سرمایه‌گذاری بخش صنعت را نشان می‌دهد. سرمایه‌گذاری بخش صنعت نیز در طول دوره موردبررسی حرکتی نوسانی داشته است، بااین‌وجود از سال ۲۰۰۷ با یک افزایش چشمگیر روبه‌رو بوده و به‌طورکلی در دوره روند صعودی داشته است؛ اما در شکل (۴)، بیانگر روند تغییرات اعتبارات به بخش صنعت کشور عراق است. این روند نیز علی‌رغم نوسانات موجود فزاینده بوده است. این شکل نشان از روند نسبتاً صعودی این متغیر داشته است. این افزایش به دلیل بهبود شرایط اقتصادی و تقاضای وام برای سرمایه‌گذاری بوده است.



شکل ۳ : روند تغییرات سرمایه‌گذاری بخش صنعت

منبع: یافته‌های پژوهش

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]



شکل ۴ : روند تغییرات اعتبارات به بخش صنعت

منبع: یافته‌های پژوهش

۴. برآورد مدل و نتایج

۴-۱. نتایج آزمون مانایی متغیرها

قبل از برآورد الگو برای حصول اطمینان از نتایج تحقیق در تفسیر فرضیات، بررسی مانایی متغیرها امری ضروری است. لذا، در جدول (۱)، با استفاده از آزمون دیکی – فولر تعمیم‌یافته مانایی متغیرها بررسی و بیان‌شده است.

جدول ۱: نتایج آزمون مانایی متغیرها

متغیر	شاخص	آماره	سطح معنی‌داری	نتایج آزمون ریشه واحد
CRD_t	اعتبارات بانکی به بخش صنعت	-۷/۷۰۷۶	۰/۰۰۰۰	I(1)
FX_t	تأمین مالی سرمایه‌گذاری بخش صنعت	-۲/۹۸۱۹	۰/۰۴۲۹	I(0)
IV_t	رشد بخش صنعت	-۲/۸۵۶۳	۰/۰۵۷۸	I(0)

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

KI_t	سرمایه‌گذاری بخش صنعت	-۴/۲۳۳۷	۰/۰۰۱۴	I(1)
LI_t	اشتغال بخش صنعت	-۷/۴۳۱۳	۰/۰۰۰۰	I(1)
XI_t	صادرات بخش صنعت	-۳/۰۷۳۱	۰/۰۲۷۵	I(1)
$OPEN_t$	درجه باز بودن تجارت	-۳/۱۶۹۸	۰/۰۲۷۵	I(1)
REER	نرخ ارز واقعی	-۵/۷۴۴	۰/۰۰۰۰	I(2)

منبع: یافته‌های پژوهش

بر اساس نتایج جدول (۱)، متغیرهای مدل‌های تحقیق ترکیبی از تفاضل مرتبه اول، دوم و در سطح مانا شده‌اند. این امر سبب استفاده از روش‌های ازجمله خودرگرسیونی‌برداری در جهت استخراج روابط بلندمدت را مشکل روبرو می‌نماید. مطابق مباحث تئوری در اقتصادسنجی وجود شرایط جدول (۱)، روش خود رگرسیون توزیعی با وقفه را پیشنهاد می‌شود (محمدی، ۱۳۹۰). ولی لازم است، قبل از برآورد مدل‌های تحقیق برون‌زایی متغیرها نسبت به متغیر وابسته با استفاده از آزمون درون‌زایی وو- هاسمن مورد آزمون قرارگرفته شود. نتایج آزمون وو- هاسمن[۱] در جدول (۲)، مشخص‌شده است.

جدول ۲: نتایج آزمون درون‌زایی وو- هاسمن

مدل	متغیر	شاخص	سطح معنی‌داری	نتایج آزمون
(۱)	KI_t	سرمایه‌گذاری بخش صنعت	۰/۰۵۶۲	درون‌زا
	LI_t	اشتغال بخش صنعت	۰/۴۵۳۷	برون‌زا
	CRD_t	اعتبارات بانکی به بخش صنعت	۰/۷۰۴۵	برون‌زا
(۲)	FX_t	تأمین مالی سرمایه‌گذاری بخش صنعت	۰/۰۶۴۵	درون‌زا
	REER	نرخ ارز واقعی	۰/۳۴۹۰	برون‌زا
	CRD_t	اعتبارات بانکی به بخش صنعت	۰/۳۴۷۸	برون‌زا
	$OPEN_t$	درجه باز بودن تجارت	۰/۵۶۲۳	برون‌زا

منبع: یافته‌های پژوهش

۱- Wo-Hausman endogenous test

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

نتایج جدول (۲)، مبین آن است که تمام متغیرهای در مدل‌ها نسبت به متغیر وابسته برون‌زا نیستند و بهتر است، الگوی خودرگرسیونی‌برداری در این تحقیق استفاده و در الگوی طراحی‌شده متغیرها با توجه به تفاضل مرتبه اول و دوم مانا شده و در مدل‌ها استفاده شود.

۴-۲. نتایج آزمون تعیین وقفه بهینه مدل‌ها

در گام بعدی پس از بررسی مانایی متغیرها، تعیین طول وقفه بهینه است که می‌توان از معیار اطلاعات برای انتخاب مرتبه مدل خودرگرسیون‌برداری استفاده نمود. دراین‌راستا، به دلیل اندازه‌ی نسبتاً کوچک نمونه از معیار شوارتز بهره گرفته‌شده و با توجه به نتایج جدول (۳)، وقفه بهینه هر دو مدل یک است.

جدول ۳: نتایج آزمون انتخاب وقفه بهینه مدل‌های تحقیق

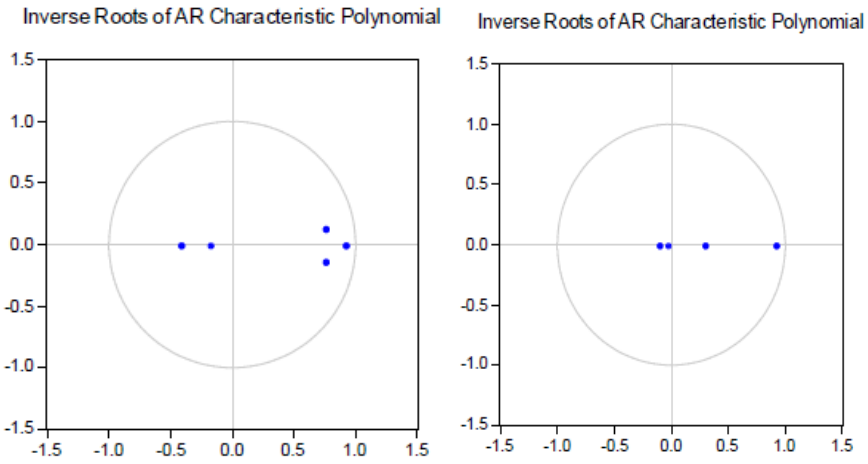
مدل	وقفه	معیار		
		آکائیک	شوارتز	حنان
(۱)	۰	۱۱/۳۵۵۶	۱۱/۵۰۵۹	۱۱/۴۱۳۳
	۱	۹/۵۱۵۶*	۱۰/۲۶۶۰*	۹/۸۰۳۳*
	۲	۹/۶۹۶۳	۱۱/۰۴۷۱	۱۰/۲۱۴۱
	۳	۱۰/۱۹۱۹	۱۲/۱۴۳۲	۱۰/۹۳۹۹
(۲)	۰	-۱۷/۲۸۴۵	-۱۷/۰۶۲۳	-۱۷/۲۰۷۶
	۱	-۲۱/۸۹۱۲*	-۲۰/۵۵۸۱*	-۲۱/۴۳۱۰*
	۲	-۲۱/۴۷۵۱	-۱۹/۰۳۱۰	-۲۰/۶۳۱۴
	۳	-۲۱/۶۸۱۴	-۱۸/۱۲۶۳	-۲۰/۴۵۴۲

منبع: یافته‌های پژوهش

۴-۳. نتایج آزمون پایداری مدل‌ها

در تحلیل مدل‌های خودرگرسیونی‌برداری، بررسی شرایط ثبات مدل قبل از تحلیل توابع واکنش ضربه‌ای بسیار اهمیت دارد. با توجه به شکل (۵)، ریشه‌های مشخصه‌ی مدل‌های برآورد شده درون دایره واحد قرارگرفته‌اند. لذا، مدل باثبات است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]



شکل ۵: بررسی ثبات مدل‌های تحقیق

منبع: یافته‌های پژوهش

۴-۴. نتایج آزمون همگرایی مدل‌ها

در ادامه، آزمون‌های تشخیصی آزمون همگرایی برای بررسی نا ایستایی بین متغیرهای مدل تحقیق از آزمون یوهانسون استفاده‌شده و نتایج آزمون یوهانسون در جدول (۴)، حداقل غیر صفر بیشترین هم انباشتگی برای روابط بلندمدت برای مدل اول حالت عرض از مبدأ- با روند و در مدل دوم حالت عرض از مبدأ بدون روند را مشخص نموده است. در تکمیل مبحث همگرایی مقادیر ویژه و ماتریس اثر با توجه به حالت انتخاب‌شده در جدول (۵) و (۶)، بیان‌شده است.

جدول ۴: نتایج آزمون یوهانسون مدل‌های تحقیق

مدل	نوع آزمون	عرض از مبدأ- بدون روند۱	عرض از مبدأ- بدون روند۲	عرض از مبدأ- بدون روند۳	عرض از مبدأ- با روند۴	بدون عرض از مبدأ- با روند۵
(۱)	ماتریس اثر۱	۴	۳	۴	۲	۴

۱ -No Intercent No Trend
۲ - Intercent No Trend
۳ - Intercent No Trend(Linear)
۴ - Intercent Trend(Linear)
۵ - Intercent Trend(Quadratic)

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

	ماکزیمم مقادیر ویژه[۲]	۱	۱	۱	۱	۱
(۲)	ماتریس اثر	۱	۲	۲	۲	۲
	ماکزیمم مقادیر ویژه	۱	۲	۲	۲	۲

منبع: یافته‌های پژوهش

بر اساس، نتایج در جدول (۵)، برای دو مدل تحقیق آماره مربوط به ماتریس اثر به ترتیب؛ ۴۲/۹۱۵ و ۴۰/۷۱۵ که زیر ۰/۰۵ است، وجود تعداد دو گرایش همگرایی بلندمدت را نشان می‌دهد.

جدول ۵: نتایج آزمون مرتبه ماتریس اثر مدل‌های تحقیق

مدل	فرضیه[۳]	مقادیر ویژه[۴]	آماره‌ی ماتریس اثر[۵]	ارزش بحرانی ۰/۰۵[۶]	احتمال معنی‌داری
(۱)	None	۰/۳۶۹۴	۶۹/۰۲۵	۶۳/۸۷۶	۰/۰۱۷۳
	At most 1	۰/۳۳۲۳	۴۵/۰۴۹	۴۲/۹۱۵	۰/۰۳۰۱
	At most 2	۰/۲۷۱۹	۲۴/۰۴۴	۲۵/۸۷۲	۰/۱۲۳۳
	At most 3	۰/۱۳۵۰	۷/۵۴۱	۱۲/۵۱۸	۰/۲۹۱۴
(۲)	None	۰/۶۶۵۲	۷۶/۵۳۳	۶۰/۰۶۱	۰/۰۰۱۱
	At most 1	۰/۴۷۵۷	۳۸/۲۳۸	۴۰/۱۷۵	۰/۰۷۷۳
	At most 2	۰/۱۹۱۶	۱۵/۶۳۷	۲۴/۲۷۶	۰/۴۰۶۳
	At most 3	۰/۱۴۰۱	۸/۱۹۳	۱۲/۳۲۱	۰/۲۲۲۱
	At most 4	۰/۰۷۹۸	۲/۹۰۹	۴/۱۲۹	۰/۱۰۴۲

منبع: یافته‌های پژوهش

۱ -Trace
۲ -Max-Eig
۳ - Hypothesized No. of CE
۴ -Eigenvalues
۵ -Trace Statistic
۶ - Critical Value 0.05

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

اما نتایج در جدول (۶)، برای دو مدل تحقیق آماره مربوط به ماکزیمم مقادیر ویژه به ترتیب؛ ۴۰/۱۷۵ و ۲۴/۱۵۹ که زیر ۰/۰۵ است، وجود تعداد دو گرایش همگرایی بلندمدت را نشان می‌دهد.

جدول ۶: نتایج آزمون مرتبه ماکزیمم مقادیر ویژه مدل‌های تحقیق

مدل	فرضیه	مقادیر ویژه	آماره‌ی ماکزیمم مقادیر ویژه[۱]	ارزش بحرانی ۰/۰۵	احتمال معنی‌داری
(۱)	None	۰/۳۶۹۴	۲۳/۹۷۶	۳۲/۱۱۸	۰/۰۰۴۶
	At most 1	۰/۳۳۲۳	۲۱/۰۰۶	۲۵/۸۲۳	۰/۰۲۵۱
	At most 2	۰/۲۷۱۹	۱۶/۵۰۲	۱۹/۳۸۷	۰/۱۲۵۰
	At most 3	۰/۱۳۵۰	۷/۵۴۱	۱۲/۵۱۸	۰/۲۹۱۴
(۲)	None	۰/۶۶۵۲	۳۸/۲۹۴	۳۰/۴۳۹	۰/۰۰۴۳
	At most 1	۰/۴۷۵۷	۲۲/۶۰۱	۲۴/۱۵۹	۰/۰۸۰۱
	At most 2	۰/۱۹۱۶	۷/۴۴۴	۱۷/۷۹۷	۰/۷۶۵۸
	At most 3	۰/۱۴۰۱	۵/۲۸۴	۱۱/۲۲۵	۰/۴۲۸۳
	At most 4	۰/۰۷۹۸	۲/۹۰۹	۴/۱۲۹	۰/۱۰۴۲

منبع: یافته‌های پژوهش

درنهایت، با توجه به نتایج هر دو جدول (۵) و (۶) گرایش بلندمدت در مدل تائید شده است. با توجه به نتایج جدول (۷)، در هر دو مدل ارتباط بلندمدت هم ازنظر علامت و هم ازنظر آماری تائید می‌شود؛ بنابراین، در هر دو مدل تأثیر اعتبارات بانکی بر رشد اقتصادی بخش صنعت و صادرات بخش صنعت مثبت و معنی‌دار است که معرف تائید فرضیات تحقیق هست.

جدول ۷: نتایج برآورد روابط بلندمدت مدل‌های تحقیق

مدل	متغیر	شاخص	ضریب	انحراف معیار	آماره t	وضعیت
	IV_t	رشد بخش صنعت	۱/۰۰۰۰۰	-	-	-
(۱)	KI_t	سرمایه‌گذاری بخش صنعت	۱۶۴/۷۴۳	۵۲/۲۹۹	۳/۱۴۹	معنی‌دار است
	LI_t	اشتغال بخش صنعت	۲۱۴۳/۶۰۱	۵۶۵/۷۴۸	۳/۷۸۹	معنی‌دار است

۱ - Max-Eig Statistic

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

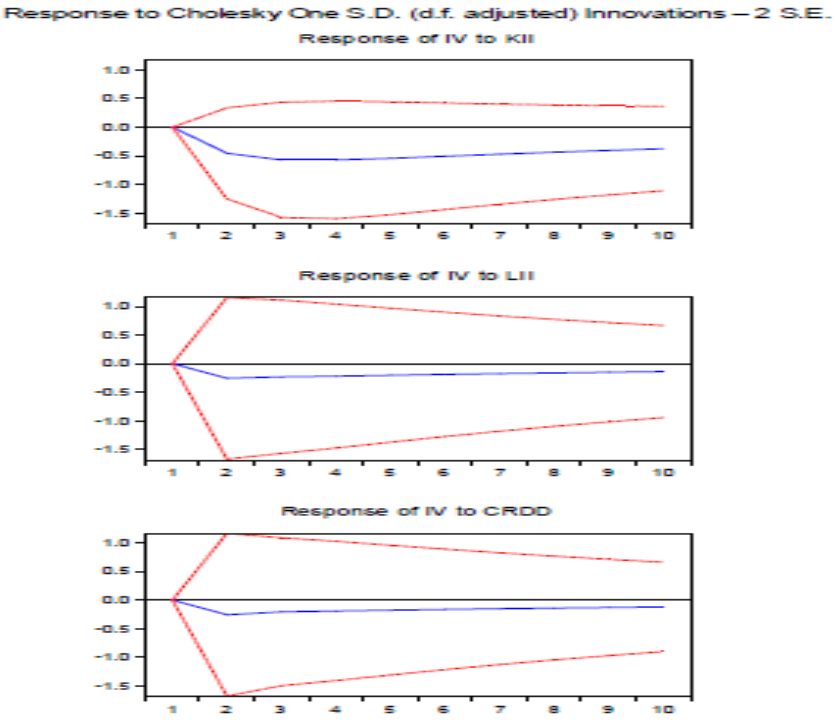
	CRD_t	اعتبارات بانکی به بخش صنعت	۶۴۲/۳۲۱	۲۰۰/۲۸۰	۳/۲۰۷	معنی‌دار است
	XI_t	صادرات بخش صنعت	۱/۰۰۰۰۰	-	-	-
(۲)	FX_t	تأمین مالی سرمایه‌گذاری بخش صنعت	۰/۰۸۱۷	۰/۰۱۶۵	۴/۹۵۲	معنی‌دار است
	REER	نرخ‌ارزواقعی	۰/۲۵۰۹	۰/۰۵۱۳	۴/۹۲۲	معنی‌دار است
	CRD_t	اعتبارات بانکی به بخش صنعت	۰/۱۶۰۸	۰/۰۱۸۴	۸/۷۵۱	معنی‌دار است
	$OPEN_t$	درجه‌بازبودن‌تجارت	-۰/۳۸۳۱	۰/۳۵۹۸	/۰۶۴۸ -۱	بی‌معنا است

منبع: یافته‌های پژوهش

۴-۵. بررسی پویایی متغیرهای تحقیق

اما به‌منظور بررسی پویایی بین متغیرهای مدل‌های تحقیق از دو معیار تابع واکنش آنی و تجزیه واریانس استفاده‌شده است. در شکل (۶)، تکانه‌های به‌اندازه‌ی یک انحراف معیار بر رشد اقتصادی بخش صنعت از تغییرات متغیرهای اعتبارات بانکی به بخش صنعت، سرمایه فیزیکی بخش صنعت و نیروی کار بخش صنعت به تصویر کشیده شده است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]



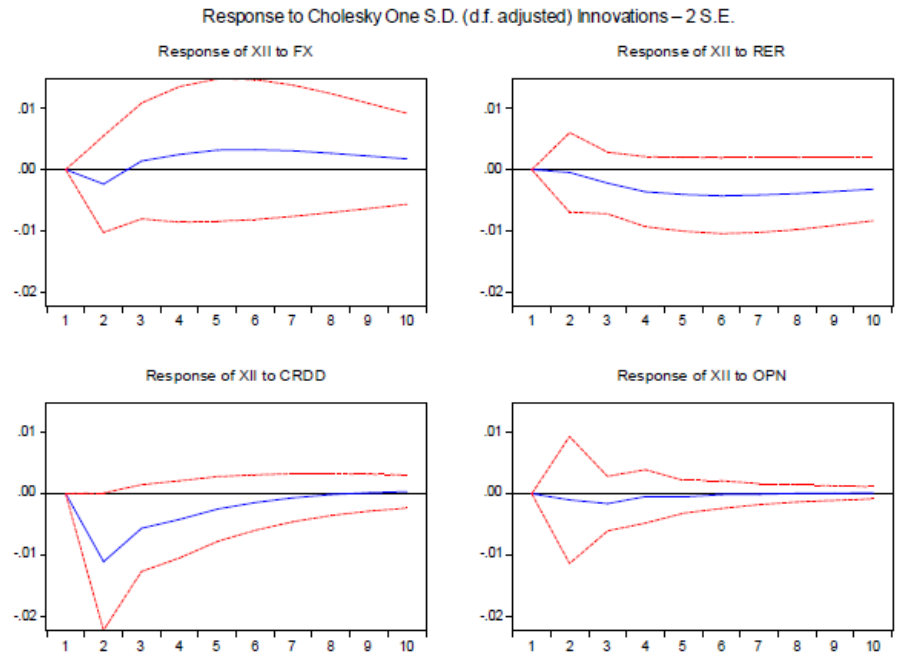
شکل ۶: بررسی تابع واکنش آنی مدل (۱)

منبع: یافته‌های پژوهش

مطابق شکل (۶)، با ایجاد تکانه‌ای به‌اندازه‌ی یک انحراف معیار از سمت اعتبارات بانکی بر رشد اقتصادی بخش صنعت یک‌روند کاهشی را طی کرده و این روند در بلندمدت از بین نمی‌رود. تأثیر اعتبارات بانکی بر رشد اقتصادی بخش صنعت منفی و واگرا هست. حال اگر با ایجاد تکانه‌ای به‌اندازه‌ی یک انحراف معیار از سمت نیروی‌کاربخش صنعت بر رشد اقتصادی بخش صنعت یک‌روند کاهشی را شروع‌شده و این روند در بلندمدت از بین نمی‌رود، به‌صورت منفی و واگرا هست. درنهایت، با ایجاد تکانه‌ای به‌اندازه‌ی یک انحراف معیار از سمت سرمایه فیزیکی بخش صنعت بر رشد اقتصادی بخش صنعت یک‌روند کاهشی را شروع‌شده و این روند بلندمدت از بین نمی‌رود. تأثیر سرمایه فیزیکی بخش صنعت بر رشد اقتصادی بخش صنعت منفی و واگرا هست.

اما در شکل (۷)، تکانه‌های به‌اندازه‌ی یک انحراف معیار بر صادرات بخش صنعت از سمت اعتبارات بانکی، تأمین مالی سرمایه‌گذاری بخش صنعت، نرخ ارز واقعی و درجه باز بودن تجارت به تصویر کشیده شده است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]



شکل ۷: بررسی تابع واکنش آنی مدل (۲)

منبع: یافته‌های پژوهش

با ایجاد تکانه‌ای به‌اندازه‌ی یک انحراف معیار از سمت اعتبارات بانکی بر صادرات بخش صنعت یک‌روند کاهشی و میرا تا دوره‌ی هشتم درحرکت است که بیشترین کاهش مربوط به دوره‌ی دوم است و از دوره‌ی نهم به بعد ازنظر آماری بی‌معنی است و با ایجاد تکانه‌ای به‌اندازه‌ی یک انحراف معیار از سمت تأمین مالی سرمایه‌گذاری بخش صنعت بر صادرات بخش صنعت در طی سه دوره با روند کاهشی حرکت و از دوره‌ی چهارم به بعد باوجود حرکت به‌صورت مثبت واگرا ازنظر آماری معنی ندارد.

اما با ایجاد تکانه‌ای به‌اندازه‌ی یک انحراف معیار از سمت نرخ‌ارزواقعی بر صادرات بخش صنعت در یک دوره به همگرایی می‌رسد و از دوره دوم با روند منفی واگرا حرکت کرده است که ازنظر آماری قابل‌قبول نیست. درنهایت، با ایجاد تکانه‌ای به‌اندازه‌ی یک انحراف معیار از سمت باز بودن تجارت بر صادرات بخش صنعت یک‌روند کاهشی و میرا تا دوره‌ی ششم درحرکت است و از دوره‌ی هفتم به بعد ازنظر آماری بی‌معنی است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

در ادامه، در قالب تجزیه واریانس، اهمیت نسبی هرگونه شوک تصادفی در اثرگذاری بر متغیرها را در جدول‌های (۸) و (۹) بیان‌شده است. در جدول (۸)، سهم هر یک از متغیرهای مدل (۱) را در تغییرات درصد رشد اقتصادی بخش صنعت برای یک بازده زمانی ده سال معرف آن است که رشد اقتصادی بخش صنعت، بیشترین اثر را در دوره اول بر خود وارد کرده و در دوره دهم ۹۸/۲۵۹ درصد از واریانس خطا در رشد اقتصادی بخش صنعت توسط خود رشد اقتصادی بخش صنعت است و ۱/۳۵۰۶ درصد از سرمایه فیزیکی بخش صنعت، ۰/۲۱۶۹ درصد از نیروی کار بخش صنعت و ۰/۱۷۳۵ درصد اعتبارات بانکی به بخش صنعت تفسیر می‌شود. در میان این چهار متغیر بیشترین توضیح‌دهندگی مربوط به سرمایه فیزیکی بخش صنعت و کمترین آن اعتبارات بانکی به بخش صنعت بوده است.

جدول ۸: تفکیک خطای پیش‌بینی متغیر رشد اقتصادی بخش صنعت به‌روش تجزیه واریانس

دوره	انحراف معیار	رشد اقتصادی بخش صنعت	سرمایه فیزیکی بخش صنعت	نیروی کار بخش صنعت	اعتبارات بانکی به بخش صنعت
۱	۵/۰۴۳۷	۱۰۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
۲	۷/۰۶۹۷	۹۹/۳۱۴	۰/۴۲۰۳	۰/۱۳۲۹	۰/۱۳۲۳
۳	۸/۴۶۱۶	۹۸/۹۳۱	۰/۷۵۰۸	۰/۱۶۷۴	۰/۱۵۱۲
۴	۹/۵۰۵۴	۹۸/۶۹۵	۰/۹۵۹۵	۰/۱۸۵۸	۰/۱۶۰۱
۵	۱۰/۳۲۰۴	۹۸/۵۴۶	۱/۰۹۲۹	۰/۱۹۶۶	۰/۱۶۴۹
۶	۱۰/۹۷۲۸	۹۸/۴۴۶	۱/۱۸۲۰	۰/۲۰۳۷	۰/۱۶۷۹
۷	۱۱/۵۰۳۸	۹۸/۳۷۷	۱/۲۴۴۵	۰/۲۰۸۵	۰/۱۷۰۰
۸	۱۱/۹۴۰۹	۹۸/۳۲۶	۱/۲۸۹۹	۰/۲۱۲۲	۰/۱۷۱۵
۹	۱۲/۳۰۴۱	۹۸/۲۸۸	۱/۳۲۴۲	۰/۲۱۴۸	۰/۱۷۲۷
۱۰	۱۲/۶۰۷۶	۹۸/۲۵۹	۱/۳۵۰۶	۰/۲۱۶۹	۰/۱۷۳۵

منبع: یافته‌های پژوهش

در جدول (۹)، سهم هر یک از متغیرهای مدل (۲) را در تغییرات درصد صادرات بخش صنعت برای یک بازده زمانی ده سال بیان‌شده است. صادرات بخش صنعت، بیشترین اثر را در دوره اول بر خود وارد و در دوره دهم ۸۵/۹۴۷ درصد از واریانس خطا در صادرات بخش صنعت توسط خود صادرات بخش صنعت است و ۲/۳۷۵۳ درصد از نرخ ارز واقعی، ۷/۱۶۴۱ درصد از اعتبارات بانکی به بخش صنعت، ۰/۱۶۴۱ درصد درجه باز بودن تجارت تفسیر می‌شود. در میان این چهار متغیر

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

بیشترین توضیح‌دهندگی مربوط به اعتبارات بانکی به بخش صنعت و کمترین آن درجه باز بودن تجارت بوده است.

جدول ۹: تفکیک خطای پیش‌بینی متغیر صادرات بخش صنعت به‌روش تجزیه واریانس

دوره	انحراف معیار	صادرات بخش صنعت	تأمین مالی سرمایه‌گذاری بخش صنعت	نرخ ارز واقعی	اعتبارات بانکی به بخش صنعت	درجه باز بودن تجارت
۱	۰/۰۳۴۶	۱۰۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
۲	۰/۰۴۲۱	۹۲/۶۴۲	۰/۳۱۵۸	۰/۰۱۰۹	۶/۹۷۳۶	۰/۰۵۷۵
۳	۰/۰۴۵۶	۹۱/۷۵۶	۰/۳۶۶۱	۰/۲۴۳۴	۷/۴۶۰	۰/۱۷۳۵
۴	۰/۰۴۷۵	۹۰/۷۴۶	۰/۶۱۴۴	۰/۸۰۹۴	۷/۶۶۱۴	۰/۱۶۸۸
۵	۰/۰۴۸۶	۸۹/۷۳۴	۱/۰۲۳۴	۱/۴۶۹۷	۷/۶۰۰۳	۰/۱۷۲۸
۶	۰/۰۴۹۲	۸۸/۷۰۷	۱/۴۴۲۴	۲/۱۸۹۲	۴۹۲۰۷	۰/۱۶۹۲
۷	۰/۰۴۹۶	۸۷/۷۸۴	۱/۸۰۶۰	۲/۸۵۴۸	۷/۳۸۸۱	۰/۱۶۶۷
۸	۰/۰۴۹۹	۸۷/۰۱۱	۲/۰۷۹۱	۳/۴۳۶۷	۷/۳۰۸۴	۰/۱۶۴۹
۹	۰/۰۵۰۱	۸۶/۴۰۴	۲/۲۶۳۵	۳/۹۱۴۴	۷/۲۵۴۱	۰/۱۶۴۲
۱۰	۰/۰۵۰۲	۸۵/۹۴۸	۲/۳۷۵۳	۴/۲۹۳۴	۷/۱۶۴۱	۰/۱۶۴۱

منبع: یافته‌های پژوهش

۵. بحث و نتیجه‌گیری کلی

صادرات به‌عنوان یک عنصر مؤثر و کلیدی در توسعه اقتصادی هر کشور محسوب می‌شود، چه از دیدگاه اقتصادی و چه ازلحاظ سیاسی در پیشبرد اهداف یک کشور نقش مهمی دارد. توسعه صادرات غیرنفتی همواره موردتوجه سیاست‌مداران و اقتصاددانان در کشورهای درحال‌توسعه بوده است. صادرات غیرنفتی یکی از عوامل مهم در تأمین ارز و افزایش درآمد ملی است. کاهش روزافزون منابع انرژی ازجمله نفت و کمترشان درآمدهای ناشی از آن، اهمیت ویژه صادرات غیرنفتی را نشان می‌دهد. مهم‌ترین نتیجه افزایش توان صادرات غیرنفتی کشورهای نفتی ازجمله عراق، رهایی از وابستگی به صادرات تک محصولی است، به‌نحوی‌که ساختار اقتصادی کشور از حوزه تأثیر بازارهای سیاسی و اقتصادی دور شود. البته، در توسعه بخش صنعت یک کشور بازارهای مالی نقش بسیار مهمی و اساسی بر عهده‌دارند؛ بنابراین در این پژوهش به بررسی تأثیر اعتبارات بانکی بر صادرات بخش صنعت کشور عراق از الگوی خودرگرسیونی‌برداری پرداخته‌شده است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

نتایج تخمین رابطه‌ی بلندمدت حاکی از آن است که در هر دو مدل تأثیر اعتبارات بانکی بر رشد اقتصادی بخش صنعت و صادرات بخش صنعت مثبت و معنی‌دار است؛ بنابراین، فرضیه اول؛ مبنی بر ارتباط بین اعتبارات بانکی و رشد اقتصادی بخش صنعت کشور عراق تائید می‌گردد و نتیجه مزبور با تحقیق فریم پونگ و ماربوآ (۲۰۱۰)، بدوی و محمد (۲۰۲۲)، ثو و همکاران (۲۰۲۰) و مینیتی و همکاران (۲۰۲۱) هم‌سو است. در مورد، فرضیه دوم تحقیق؛ ارتباط بین اعتبارات بانکی و صادرات بخش صنعت کشور عراق نیز تائید می‌شود و نتیجه مزبور نیز با تحقیق فریم پونگ و ماربوآ (۲۰۱۰)، خلف و علی (۲۰۲۱)، آلمونیا و همکاران (۲۰۲۱) و احمدی‌اشکفتکی و همکاران (۱۳۹۶) هم‌سو است.

البته ارتباط مثبت و معنی‌داری بین متغیرهای سرمایه‌گذاری و اشتغال بخش صنعت با رشد اقتصادی بخش صنعت وجود دارد. تأثیر متغیرهای تأمین مالی سرمایه‌گذاری بخش صنعت و نرخ-ارزواقعی بر صادرات بخش صنعت مثبت و معنی‌دار است، معرف آن است که افزایش نرخ ارز سبب کاهش ارزش پول ملی اثرات انقباض بر تولید کل و توسعه صادرات غیرنفتی دارد. ولی تأثیر درجه باز بودن تجارت بر صادرات بخش صنعت منفی و بی‌معنی است، شرایط سیاسی کشور عراق در دوره زمانی تحقیق با وقایع انتخاباتی مجلس عراق و جنگ داعش تأثیر منفی بر درجه باز بودن تجارت عراق داشته است. ولی به دلیل این‌که منبع اصلی تأمین درآمد ملی کشور عراق فروش نفت است، این وقایع تأثیر بی‌معنی را نشان داده است.

تجزیه واریانس، اهمیت نسبی هرگونه شوک تصادفی در اثرگذاری بر متغیرها را نشان می‌دهد و مشخص می‌کند که هر متغیر در مدل تا چه اندازه در تغییرات متغیر دیگر سهیم است. در مورد، عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی بخش صنعت بیشترین توضیح‌دهندگی مربوط به سرمایه فیزیکی بخش صنعت و کمترین آن اعتبارات بانکی به بخش صنعت بوده است و نیز، عوامل مؤثر بر صادرات بخش صنعت بیشترین توضیح‌دهندگی مربوط به اعتبارات بانکی به بخش صنعت و کمترین آن درجه باز بودن تجارت بوده است.

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، با توجه به اثر مثبت اعتبارات بانکی بر رشد اقتصادی بخش صنعت و با توجه به نقش بااهمیت دولت در دستیابی به توسعه اقتصادی، پیشنهاد می‌شود به اختصاص وام به بخش خصوصی کشور عراق در بخش صنعت توجه ویژه‌ای شود و برای توسعه صادرات صنعتی، بنگاه‌های اقتصادی این بخش به‌صورت مؤثرتری تأمین مالی گردند و اعتبار دهی به بخش صنعت در اولویت دولت قرار گیرند و نیز، با توجه به اثر مثبت اعتبارات بانکی بر صادرات بخش صنعت و با توجه به اهمیت توسعه صادرات غیرنفتی در کشورهای دارای منابع نفت، پیشنهاد

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

می‌شود از بنگاه‌های تولیدی غیرنفتی بخش صنعت برای تأمین مالی و توسعه کسب‌وکار حمایت شود و با اعطای وام به بخش خصوصی زمینه رونق بیشتر این بخش اقتصاد عراق فراهم گردد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

منابع

۱. احمدی‌اشکفتکی، حمیده، توکلی، اکبر و منصف، عبدالعلی (۱۳۹۶)، تاثیر اعتبارات بانکی بر صادرات غیرنفتی بخش های صنعت و کشاورزی در ایران، اقتصاد کاربردی، (۲۱)۷، ۱-۱۷.

۲. حسین‌زاده، هدایت و اسماعیل‌زاده، فرحناز (۱۴۰۰)، بررسی تأثیر نامتقارن شوکهای پولی بر اعتبارات بانکی طی ادوار تجاری، فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، (۳۴)۱۱، ۳۵-۵۵.

۳. سلاطین، پروانه، غفاری صومعه، نیلوفر و محمدی، سمانه (۱۳۹۵). تاثیر بی ثباتی بر کسری بودجه در گروه کشورهای منتخب. فصلنامه مطالعات بین‌المللی. (۳)۱۳. ۴۱-۴۶.

۴. طیبی، سید کمیل و گوگردچیان، احمد (۱۳۸۳). بررسی عوامل جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در صنایع پتروشیمی ایران به روش داده های تابلویی. پژوهش‌های اقتصاد ایران، (۸)۲۶. ۱۸۱-۲۰۳.

۵. قربانی‌نژاد، ریباز (۱۳۹۷). تبیین الگوی عوامل ژئوپلیتیکی تنش در روابط کشورها. پژوهش‌های جغرافیای سیاسی. (۳)۳,۱۳۳-۱۵۶.

۶. موحدمنش، صادق‌علی و عالی‌منش، سارا (۱۳۹۸). بررسی عوامل موثر در صادرات غیرنفتی بر رشد اقتصاد ایران. نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی. (۲۷)۸. ۱۱۵-۱۳۴.

۷. میراحسنی، زهرا، غلامی نتایج، سعید و نوبخت محمدباقر (۱۳۹۰). کارکردهای الگوی توسعه. راهبرد. ۶۱. ۲۱۳-۲۳۳.

۸. هدائی، آرشام، فرزین، محمدرضا، امامی، کریم و غفاری، فرهاد (۱۴۰۲)، تاثیر نوآوری مالی بر رشداقتصادی، اقتصاد و بانکداری اسلامی، (۴۳)۱۲، ۷۹-۱۰۳.

9. Almunia, M. Antràs, P. Lopez-Rodriguez, D. & Morales, E. (2021). Venting out: Exports during a domestic slump. American Economic Review 111 (11), 3611–62.

10. Badawey, S. O. K. & Muhamad, N. J. (2022). Analysis of the role of bank credit in financing medium industrial projects in the Iraqi economy for the period (2008-2019). *Tikrit Journal of Administrative and Economic Sciences*, *18*(57, 3), 229–253.

11. Bernard, A. B. & Jensen, J. B. (1999). Exceptional Exporter Performance: Cause, Effect, or Both? Journal of International Economics .47(1).1-25.

12. Claessens, S. & Van Horen, N. (2021). Foreign banks and trade. Journal of Financial Intermediation 45, 100856.

13. Cupta.V and Keshari.B. B (2013). Statistical Inference in Calibrated Models. Journal of Applied Econometrics. 9(1). 123–144.

14. Ding, S. (2022). Bank Concentration and Firm Exports: Evidence from China. *SSRN Electronic Journal*. 10.2139/ssrn.4155180.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

15. Dutse. A. Y. Ningi. S. I. & Abubakar. S. (2013). Technopreneurship and Enterprise Growth in Nigeria: An Exploration into the Latent Role of Microfinance Banks. Journal of Business and Management. 12(2). 25-32.
16. Frimpoung. B. & Marbo. C (2010). The Federal Funds Rate and the Channels of Monetary Transmission. American Economic Review. 82(1). 901–921.
17. Greenaway, D, Kneller,R (2007). Firm Heterogeneity, Exporting and Foreign Direct Investment. *The Economic Journal*. 117(517). 134–161.
18. Iacovone, L. Ferro,E. Pereira-López, M. & Zavacka, V. (2019). Banking crises and exports: Lessons from the past. Journal of Development Economics 138, 192–204.
19. Khalaf, H. H. & Ali, K. G. (2021). Measuring the Impact of Bank Credit on the Total Agricultural Production Granted by the Agricultural Cooperative Bank in Iraq for the Period 1990-2019. *Tikrit Journal of Administrative and Economic Sciences*, *17*(55, 2), 555–569.
20. Khan, M. S. & M. D. Knight (1988), "Import Compression and Export Performance in Developing Countries", Review of Economics and Statistics, Vol. 70, PP. 315-321.
21. Levine, R. Lin, C. Peng, Q. & Xie, W. (2020). Communication within banking organizations and small business lending. The Review of Financial Studies. 33 (12), 5750–5783.
22. Minetti, R. Mulabdic, A. Ruta, M. & Zhu, S. C. (2021). Financial structures, banking regulations, and export dynamics. Journal of Banking & Finance 124, 106056.
23. Noori, I. M. & Aziz, K. I. (2023). Analysis of the reality of bank credit and its role in developing economic growth in Iraq for the period (2004-2021). *Tikrit Journal of Administrative and Economic Sciences*, *19*(63, 2), 473–488.
Ribeiro, M. B. & Teixeira, J. R. (2001). An econometric analysis of private-sector investment in Brazil. Cepal Review, 74, 153-166.
24. Stiglitz. J. E (2017).The Coming Great Transformation .*Journal of Policy Modeling*, 394 .625-638.
25. Thi, T. Tu, T. Thi, N. N. Phuong, T. N. & Trinh, B. (2020), Impact of bank credit on exports to Association of South East Asian Nations countries: Empirical study of Vietnam, ASIA & The Pacific Policy Studies, 7(1), 27-42.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-10-31]